

«وجود از کلمه الله موجود.»

حضرت بهاء الله

توصیف کلمه الله در آثار قلم اعلیٰ*

ایرج ایمن

مقدمه

این مقاله خلاصه‌ایست از مطالعه‌ای مقدماتی در آثار مبارکه درباره "کلمه الله" و "آیات الهی" و متضمن نقل شواهدی است از نصوص مبارکه در معانی و مفاهیم و اهمّیت و عظمت و خصوصیات و فواید و اثرات کلام الهی و وظائف اهل بهاء در قبال آثار قلم اعلیٰ. تنظیم و ترتیب شواهدی از آثار مبارکه در ذیل عناوین اصلی و فرعی فقط به منظور ایجاد ربط منطقی مطالب در طرحی کلی است که در نظر گرفته شده. البتّه همین آثار مبارکه را می‌توان به انحاء گوناگون دیگری نیز تقسیم‌بندی نمود و یا با تفحص و تفرّس در آثار مبارکه شواهد و مطالب و موارد دیگری را بدانها افزود و تفصیل و یا طرح‌های دیگری را در توصیف کلمات و آیات الهی ارائه داد.

۱- کلمه

واژه "کلمه" یا "کلام" هم به معنای عامّ آن که واسطه بیان مقصود گوینده است و هم برای ادای مفاهیم و معانی اصطلاحی مختلفی به کار رفته است که به اجمال مطرح می‌گردد:

۱-۱ تعریف کلمه و کلام

کلمه مجموعه حروفی است که یک واحد معنی دار را تشکیل می‌دهند. کلمه در لغت به معنای سخن و گفتار و لفظ معنی دار و آنچه انسان به صورت شفاهی یا کتبی برای ادای منظور و مطلبی بیان می‌کند

آمده است. کلام هم به معنای کلمه و هم به معنای جمله‌ایست که لا اقل مرکب از دو کلمه باشد و از مسند و مسندالیه ترکیب شده باشد. کلمه و کلام به معنای عامّ مبین ما فی الضمیر است.^۱

۲-۱ در اصطلاحات فلسفی و عرفانی

در آثار عرفانی و تصوف اسلامی روح انسانی را به اعتبار ظهور آن در نفس رحمانی مانند ظهور کلمه در نفس انسانی کلمه گویند و کلام تجلی حاصل از تعلق اراده و قدرت است برای اظهار ما فی الغیب و ایجاد آنچه در غیب است و گویند کلام حقّ نه صوت است و نه حروف. بعضی گویند کلام الله صفت اوست.^۲

در تألیفات فلاسفه اسلامی مفاهیم و تعاریف فلسفی متعدّدی برای کلمه آمده است و اصطلاحاتی نظیر کلمه الله، کلمات الهی، کلمه کبری، کلمات وسطی، کلمات صغری، کلمات تامّات، کلمه الله علیا، کلام امری و کلام نفسی شرح و وصف شده است که ورود در این مباحث خارج از موضوع این مقاله است.^۳

۳-۱ آفرینندگی

چنانچه گذشت مفهوم عامّ کلمه و کلام گفتار و نوشتار مردمان است که ناقل افکار و مقاصد آنان است و در طول زمان سبب ایجاد تمدّنات و ظهور فرهنگ‌های گوناگون شده است. جمیع موجودات به واسطه کلمه شناخته می‌شوند حتّی فکر و خیال و توهم هم با کلمه به وجود می‌آیند. آنچه را احساس و ادراک می‌کنیم موکول و منوط به مرتبط ساختن آنها با کلمات است. اگر کلمه نباشد وجود هیچ شیء یا فکری را نمی‌توان بیان و معرفی کرد.

۲- کلمه الهی

در آثار قلم اعلی کلمات و آیات الهی علاوه بر آنچه به لسان وحی نازل می‌گردد مفاهیم دیگری نیز از کلمه الهی مستفاد شده است مانند قوه خلاقه وجود، مشیت الهی، مائده آسمانی و مظهر ظهور الهی.

۱-۲ مبدا وجود

کلمه چنانچه اشاره شد مبدا وجود هر موجودی است و کلمه الهی آفریننده جهان هستی است. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «وجود از کلمه الله موجود.»^۴ آثار قلم اعلی مشحون از نصوصی است که دلالت بر این معنی می‌نماید از جمله در مناجات‌هایی که در ادعیه حضرت محبوب درج شده بیانات ذیل ملاحظه می‌گردد:

«توئی آن سلطانی که به یک کلمات وجود موجود گشت.»
 «یک حرف از کتابت امّ البیان و یک کلمه از آن موجد امکان.»
 «توئی آن توانائی که به یک کلمه آسمان و زمین را خلق فرمودی.»
 «به یک کلمه از کلمات علیا ارض و سماء را خلق فرمودی.»
 «همه عباد تواند و از کلمه تو از عدم به وجود آمدند.»
 «از یک کلمه علیا عالم وجود را موجود فرمودی و به انواع مائده و آلاء لا تحصی مزین داشتی.»^۵

و در مقامی دیگر این معنی را توضیح داده‌اند که: «علت حرکت حرارت بوده و علت حرارت کلمه الله.»^۶ «رگ شریان عالم از نفعات آیات الهی متحرک.»^۷ به وجود آمدن عالم در اثر کنش و واکنش حرارت و حرکت نظر کنونی دانشمندان است. حضرت بهاء الله می‌فرماید کلام الهی است که علت حرارت است و حرارت موجب حرکت می‌شود پس کلام الهی آفریننده عالم وجود است. و کلمه الله کلام و آثاری است که از مظهر ظهور الهی ظاهر می‌شود و مظهر مشیت الهی است. بنا بر این کلمه الهی آفریننده عالم وجود است. اینست که در ابتدای انجیل یوحنا آمده است: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود و نور در تاریکی می‌درخشید و تاریکی آن را درنیافت.»

در قرآن مجید در آیه ۱۱۷ سوره بقره آمده است: «بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» یعنی مبدء و منشأ وجود کلمه "کن" (یعنی "باش") است که از سماء مشیت الهی صادر شد و عالم از حیث قوه به حیث فعل درآمد و "فیکون" تحقق یافت. کلمه "کن" از اصطلاحات عرفانی و فلسفی اسلامی نیز هست که مراد از آن را «امر ابداعی و تکوینی و وجود منبسط دانسته‌اند که تمام موجودات بر سبیل وجود ابداعی دفعهً واحده از ذات حق صادر شده‌اند.»^۸

۲-۲ مشیت الهی

اراده و مشیت الهی در کلمه الهی ظاهر و صادر می‌گردد. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «کلمه الله از ظهور ظاهر.»^۹ و در مقامی دیگر می‌فرماید: «کلمه الله التي خرجت من فم المشیة علی عرش الظهور.»^{۱۰} یعنی کلام الهی به اراده الهی صادر و نازل می‌گردد یا به عبارت دیگر مشیت الهی در کلمه الهی ظاهر و باهر می‌گردد. همچنین در توصیف کلمه الله می‌فرماید: «اوست کتاب مبین و حصن حصین و اوست مطلع سرّ مکنون و مشرق اسم مخزون. کتب الله به ذکرش زینت یافت و عالم به نورش منور گشت. عملش یفعل ما یشاء و اراده‌اش یحکم ما یرید. بنیان هستی به اسمش محکم

و عالم حکمت و بیان به آثار قلمش منظم»^{۱۱} و نیز می فرمایند: «اوست مقتدری که از یک حرف حروفات مختلفی را ظاهر فرمود و از آن عوالم کلمات را موجود نمود و لثالی مکنونه در اصداف عَمَّان قدرتش را ظاهر و هویدا ساخت. در این بیان بحور علم و حکمت مکنون و مستور. لا یقدر احد ان یظهرها الا بحوله و قوّته و عظمته و اقتداره.»^{۱۲} بنا بر این کلمه الهی صادر از مشیت الهی و حائز قوّه خلاقه الهیه است. اینست که فرموده‌اند: «هرچه ادراک شود از او ظاهر گردد.»^{۱۳}

۳-۲ مظهر ظهور الهی

کلمه الله به تعبیری مظهر ظهور الهی است. حضرت بهاء الله در اشاره به همین معنی در کتاب بدیع حضرت مسیح را کلمه الله عنوان فرموده‌اند: «یهودای اسخریوطی یکی از حروفات اثنی عشریه انجیل بوده و بعد به شقاوتی ظاهر که کلمه الله را تسلیم یهود نمود.»^{۱۴} و در مقامی دیگر فرموده‌اند: «کلمه حقّ مثل وجود حقّ ظاهر و باهر و لامع و لائح و هویداست.»^{۱۵} بنا بر بیان حضرت بهاء الله که «کلمه الله از ظهور ظاهر»^{۱۶} کلمه الله سخنان و آثاری است که از مظهر ظهور الهی ظاهر می‌شود. زیرا بشر راهی به درک و فهم حقیقت وجود خداوند که «ذات غیب منیع لا یدرک» است ندارد ولیکن آن ذات غیبی در مرآت شفاف و تمام‌نمای مظهر ظهور تجلی می‌نماید و به واسطه او به لسان بشر متکلم می‌شود و آنچه را که مظهر ظهور الهی القاء می‌نماید «کلمه» است، یعنی وحی الهی به صورت کلمات برای بشر نازل می‌گردد.

اما حیات عنصری مظهر ظهور الهی مانند هر انسان دیگری کوتاه است و به پایان می‌رسد. آنچه آن را فنا اخذ نمی‌کند و برای هدایت بشر باقی می‌ماند کلمه الله است که در حقیقت ادامه و استمرار ظهور الهی است: «عن قریب آنچه مشهود مفقود خواهد شد و آنچه باقی و دائم است کلمه الله بوده و هست. آثارش محو نیابد... و اثراتش به دوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است.»^{۱۷}

۴-۲ مائده آسمانی

در آثار قلم اعلیٰ آنچه از سماء مشیت الهی نازل شده «مائده آسمانی»، «مائده سماوی»، «مائده ابدی»، «مائده معنوی»، «نعمت ابدی»، «نعمت حقیقی» و «مائده عرفان» نامیده شده. از جمله بیانات ذیل به عنوان نمونه نقل می‌گردد:

«نعمت بیان ظاهر و مائده عرفان نازل.»^{۱۸}

«از یک کلمه مائده آسمانی، نعمت حقیقی که عرفان نفس حقّ جلّ جلاله است عطا فرمود.»^{۱۹}

«نعمت حقیقی و مائده آسمانی ما نزل من سماء مشیت الله بوده و هست.»^{۲۰}

«این مائده ابدیه سبب حیات ابدی است و مائده در رتبه و مقام اول ذکر است که از قلم اعلیٰ مخصوص عباد و اماء نازل می‌شود.»^{۲۱}

«امروز لثالی بحر بیان مقصود عالمیان بر هیأت کلمات در الواح از قلم اعلیٰ ظاهر. مائده عرفان در کلّ احیان از سماء مشیت الهی نازل.»^{۲۲}

«نصایح الهیه مائده معنویه است که از سماء مشیت رحمانیه نازل شده.»^{۲۳}
«در هر کلمه از کلمات الهی بحر رحمت مواج و از هر بیانی از بیاناتش مائده معنوی از سماء حقیقی نازل. از حقّ می‌طلبیم اشتهای این نعمت را در هر نفسی ظاهر فرماید تا کلّ به جان و روان بشتابند و فائز گردند.»^{۲۴}

«مخصوص هر یک... لوح ابداع ابهی از ملکوت عنایت ربّنا العلیّ الاعلیٰ نازل و ارسال شد. انشاءالله از هر حرفی و از هر کلمه‌ای از آن نعمت ابدی و مائده آسمانی اخذ نمائید.»^{۲۵}
«این همان مائده‌ایست که می‌فرماید ربّنا انزل علینا مائده من السّماء و این مائده هرگز از اهلش مقطوع نشود.»^{۲۶}

«من فاز بهذا الامر انه فاز بنعمة الله و المائدة المنزلة من سماء اسمه الکریم.»^{۲۷}

به علاوه آیات الهی را به میوه و ثمر سدره الهی تشبیه فرموده‌اند: «امروز سدره متّهی از افق اعلیٰ فواکه جدیده لطیفه مخصوص اولیای آن آشکار ارسال نموده تا کلّ به نعمت الهی فائز شوند و از مائده آسمانی قسمت برند. اثمارش آیاتش بوده و هست.»^{۲۸}

۳- عظمت شأن و خصوصیات کلام الهی

هرگز نباید کلام الهی را همانند کلام بشری محسوب داشت زیرا کلمه الله به فرموده جمال اقدس ابهی سلطان کلمات و برتر از کلمات بشری است: «کلمه الله لن تشبیه بکلمات خلقه أنّها لسلطان الکلمات.»^{۲۹} در رفعت مقام و عظمت شأن کلمات و آیات الهی در آثار قلم اعلیٰ به صور گوناگون و با ذکر تشبیهات و تبیینات ستایش‌انگیزی تصریح و تأکید شده است. حضرت بهاءالله کلام الهی را ممتاز از جمیع جهات و برتر از کنوز عالم و جاودانی شمرده و آیات الهی را حجّت اکبر بر حقانیت مظاهر ظهور الهی محسوب داشته‌اند و در کتاب مستطاب ایقان می‌فرمایند: «اعظم از آیات امری نبوده و نخواهد بود.»^{۳۰}

در رفعت مقام و عظمت شأن کلام و آیات الهی خصوصیات گوناگونی در آثار قلم اعلیٰ مذکور است که به منتخبی از آنها به اجمال اشاره می‌شود:

۱-۳ کلام الهی موجودی است زنده

حضرت بهاء الله می فرماید: «قل ان كلمة الله تنطق و تمشی لو انتم من الفقهاء»^{۳۱} مضمون بیان مبارک اینست که اگر بشر فهم و درک داشته باشد ملاحظه می کند که کلام الهی می خرامد و سخن می گوید. بدین ترتیب کلام الهی را همان طور که قبلاً ذکر شد وجود حقیقی مظهر ظهور معرفی می نمایند. علاوه بر آن اشاره ایست به پویائی کلمه الهی بدین معنی که در طول زمان معانی مندمج در آن به تدریج آشکار می گردد. یعنی کلام الهی در حکم موجود زنده و پاینده است که پیوسته در احوال بشر تأثیر می گذارد.

۲-۳ جامعیت

«كلمة الهیه جامع كل معانی بوده یعنی جمیع معانی و اسرار الهی در آن مستور»^{۳۲}
«لا رطب و لا یابس الا فی كلمة الله المطاعة»^{۳۳}

۳-۳ شمول عام

«اشراق کلمه الهیه را به مثل اشراق شمس ملاحظه کن. همان قسم که شمس بعد از طلوع بر کل اشراق می نماید، همان قسم شمس کلمه که از افق مشیت ربانیه اشراق فرمود بر کل تجلی می فرماید»^{۳۴}
«قد خلق الکلمة علی هیکل الانسان و بها اجتذب العالمین. ان الذی ما انجذب من کلمة الله لا یصدق علیه اسم الوجود»^{۳۵}

۴-۳ حجّت بالغه

«حال ملاحظه فرمائید چه مقدار عظیم است شأن آیات و بزرگ است قدر آن که حجّت بالغه و برهان کامل و قدرت قاهره و مشیت نافذه را به آن ختم فرموده و هیچ شیئی را آن سلطان احدیه در اظهار حجّت خود به آن شریک نفرموده چه میانه حجج و دلائل آیات به منزله شمس است و سوای آن به منزله نجوم و آن است حجّت باقیه و برهان ثابت و نور مضیء از جانب سلطان حقیقی در میان عباد. هیچ فضلی به آن نرسد و هیچ امری بر آن سبقت نگیرد...»^{۳۶}
«هرگز مظهري اکبر از انبياء نبوده و حجّتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده»^{۳۷}

۳-۵ عروۃ الوثقی

در کتاب مستطاب ایقان عظمت شأن و مقام آیات با عناوین شتی تعریف شده است: «کنز لنالی الهیه»، «مخزن اسرار احدیه»، «حبل مستحکم»، «عروۃ وثقی»، «نور لا یطفی».^{۳۸}

۳-۶ به مثابه نار موقده ربّانی

حضرت بهاء الله آیات الهی را «نار حکمت بالغه صمدائیه» نامیده‌اند که دارای دو تأثیر متضاد است بدین معنی که فوران این آتش در حالی که در مؤمنین و مقبلین گرمی و حرارت حبّ ایجاد می‌کند در دشمنان و مبغضین سبب سردی غفلت و بی‌خبری می‌شود. دوستان را مجذوب و پر اشتیاق می‌سازد و کینه‌توزان را دور و مهجور می‌نماید.^{۳۹} و در مقامی دیگر می‌فرمایند: «کلمه الهیه به مثابه نار است از برای انفس مخموده و به منزله ماء است از برای ارواح پژمرده. پس باید در کلّ احیان اهل امکان را به ماء معارف رحمانی و نار موقده ربّانی مشتعل و تازه نمائی».^{۴۰}

۳-۷ امتیاز نسبی

از جمله خصوصیات دیگری که در آثار قلم اعلیٰ برای آیات منزله در این ظهور ذکر شده امتیاز و برتری نسبی آیات منزله در این ظهور است: «آنچه از لسان و قلم ملل اولیٰ از قبل ظاهر فی الحقیقه سلطان آن در این ظهور اعظم از سماء مشیت مالک قدم نازل».^{۴۱} و نیز: «آیات منزله بدیعه و بیّنات ظاهره در این ظهور اعظم و نبأ عظیم از جمیع جهات ممتاز و فرق از دونش به مثابه آفتاب واضح و هویدا».^{۴۲} و در مقام فضل و امتیاز کلمه الله قلم اعلیٰ به این کلام ناطق: «امروز کلمه الله از صد اولاد افضل بوده و هست».^{۴۳}

۳-۸ بقاء

کلمات الهی را فنا اخذ نمی‌نماید و همواره جاودان می‌مانند: «عن قریب آنچه مشهود مفقود خواهد شد و آنچه باقی و دائم است کلمه الله بوده و هست. آثارش را محو نیابد... و ثمراتش به دوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است».^{۴۴}

۳-۹ کتاب مبین

«هر آیه‌ای از آیات این ظهور کتابی است مبین».^{۴۵}

کلمات الهی متضمّن معانی و مفاهیمی هستند که بر بشر پوشیده است یعنی کنز مخفی و مکنون هستند. حضرت بهاءالله می‌فرماید: «یشهد بانّ کلماته تامّات و فی کلّ کلمة منها سُترت معانی ما اطلع بها احد الا نفسه.»^{۴۶} و در لوحی دیگر می‌فرماید: «کوثر معانی و بیان... در کلمات الهی مکنون و مستور است.»^{۴۷} و در لوح سلمان قلم اعلیٰ به این بیان احلیٰ ناطق: «صورت کلمات مخزن حقّ اند و معانی مودعه در آن لآئی علمیّه سلطان احدیه و ید عصمت الهیه ناس را از اطلاع به آن منع می‌فرماید و چون اراده الله تعلق گرفت و ید قدرت ختم آن را گشود بعد ناس به آن ملتفت می‌شوند.»^{۴۸} کتاب مستطاب ایقان نمونه شامخ و بارز گشودن چنین ختمی است که معانی مودعه در مخزن کلمات الهیه ظهورات قبل را عرضه می‌دارد.

۱۱-۳ قابلیت درک برای عموم

حضرت بهاءالله در مقامی دیگر علّت اینکه کسی از معانی کلمات الهی اطلاع ندارد را شرح داده‌اند. نکته جالب توجه در این بیان مبارک اینست که هم همه قادر به ادراک کلام الهی هستند و هم هیچ کس نمی‌تواند جمیع معانی مودعه در کلام الهی را درک نماید:

«در بعضی مقام ذکر شده که احدی به معنی کلمات الهی مطلع نه الا الله. شکی نیست که این قول حقّ است چه که هر حرفی از حروفات منزله در هر عالمی از عوالم لا یتناهی اثر مخصوص و معانی مخصوصه به اقتضای آن عالم داشته و خواهد داشت و همچنین حروفات و کلمات الهیه هر یک کنز علم لدنی بوده و خواهد بود و ما اطلع بما کنز فیهن الا الله. احدی قادر بر عرفان آن علی ما ینبغی لهما نبوده و نخواهد بود و همچنین در مقامی ذکر شده که کلّ آیات الهی را ادراک می‌نمایند چه اگر صاحب این مقام نبودند حجّیت آیات مبرهن نمی‌شد. این دو بیان مختلف‌اند بر حسب ظاهر و لکن نزد متبصرین و صاحبان ابصر حدیده معلوم است که مقصود از آنکه فرمودند کلّ ادراک می‌نمایند علی قدرهم و مقدارهم بوده لا قدر و مقدار ما نزل من لدی الله المقتدر المهیمن القیوم.»^{۴۹}

بنا بر این در کلمات الهی هم معانی و مفاهیمی نهفته است که فقط مظاهر ظهور الهی و مبیین منصوص آنان قادر به تبیین و توضیح آن معانی هستند و هم معانی و مفاهیمی وجود دارد که در حدّ قدرت فهم و درک مردم زمانه است که از کلمات الهی بهره‌مند و ارشاد شوند.

۱۲-۳ غفلت عباد از درک شأن آیات

مثال دیگر، این بیان مبارک حضرت بهاء‌الله است که می‌فرماید:

«مکرّر در زمان طفولیت نفس حقّ اصغاء نموده می‌گفتند آیا آن کلمه قائم چه کلمه ایست که نقبا از آن فرار اختیار می‌نمایند؟ بگو آن کلمه حال ظاهر و شما قبل از استماع فرار نموده‌اید و ملتفت نیستید و آن کلمه مبارکه مکنونه مخزونه مصونه اینست: هو در قمیص انا ظاهر، و مکنون بانا المشهود ناطق. اینست آن کلمه‌ای که فرائض مشرکین از آن مرتعد شده. سبحان الله، در جمیع کتب قبل عظمت این یوم و عظمت ظهور و عظمت آیات و عظمت کلمه و عظمت استقامت و عظمت شأن و مقام ذکر شده. مع ذلک خلق از او غافل و محتجب.»^{۵۰}

۴- اثرات کلام الهی

حضرت بهاء‌الله در لوح مقصود می‌فرماید: «از برای هر کلمه روحی است... از برای هر کلمه اثری موجود و مشهود...»^{۵۱} و در مناجاتی درباره اثر حیات بخش کلمه الهی آمده است که: «یک کلمه از فم عنایت آب حیوان بر اهل امکان مبذول دارد.»^{۵۲} و در مقامی دیگر می‌فرماید: «این مائده ابدیه سبب حیات ابدی است.»^{۵۳} بنا بر نصوص مبارکه کلام الهی جذّاب قلوب و ارواح است و موجد عشق و انجذاب روحانی است. جذّاب عنایات و الطاف الهی است. حیات روحانی عطا می‌کند و موجب عرفان حقّ می‌گردد که از اهداف اصلی خلقت انسان است و سبب وحدت و یگانگی در جامعه بشری که مقصود نهائی و غایت قصوی ظهور این امر اعظم است.

۱-۴ انجذاب و تقلیب روحانی

کلمات الهی مقلّب قلوب است و مورث انجذابات روحانی و سبب ارتقاء انسان به مراتب و مقامات عالیّه روحانی و مایه تحرّک و پیشرفت در عالم انسانی. حضرت بهاء‌الله در یکی از الواح در جواب سؤال مربوط به کیمیا و امکان تبدیل مس به طلا به این بیان احلی ناطق:

«تبدیل قوه ناسوتی به قوه ملکوتی ممکن. نزد این مظلوم آنچه این قوه را تبدیل نماید اعظم از اکسیر است. این مقام و این قدرت مخصوص است به کلمه الله. اوست جوهری که خوف را به اطمینان و ضعف را به قوت و ذلت را به عزت تبدیل فرماید، یک قطره از بحر حکمت الهی بر بدیع زد به مثابه کره نار قصد فدا نمود. رطوباتش به حرارت و ضعفش به اقتدار و بَطْش به سرعت تبدیل شد.»^{۵۴}

اینست که در مقامی دیگر لسان قدم می‌فرماید: «اگر نفسی فی الحقیقه به استماع یک آیه از آیات الهی موفق شود البتّه او را جذب نماید و به مقام مقدّس از اوصاف عالمیان هدایت فرماید.»^{۵۵} و یا می‌فرمایند: «در جذب آیات حقّ جلّ جلاله تفکّر نما. چه مقدار خلیل زمان که رایگان به نار رفتند و چه مقدار ذبیح که از مشهد فدا زنده برنگشتند.»^{۵۶} و در لوحی به امضای خادم الله چنین مذکور: «آیات منزله در سنین قبل که مخصوص صلوة نازل شده بفرست و بنویس لعمر الله نفحاتش عاشقین را جذب نماید و ساکنین را به اهتزاز آرد و منضعین را حیات بخشد.»^{۵۷} و در لوح دیگری آمده است که: «... و جذب عنایت به شأنی اخذت نماید که اگر جسد بشری اقتضا کند الی الابد متتابعاً مترادفاً سجده نمائی و به کلمه‌ای از کلمات منزل آیات ناطق شوی...»^{۵۸}

در آثاری که به لسان عربی نازل شده نیز این قبیل نصوص فراوان است. از جمله مضمون بیان مبارک در یکی از الواح اینست که اگر نفسی در خانه خود در تنهائی آیات الهی را قرائت نماید فرشتگان نفحاتش را به جمیع جهات منتشر می‌کنند و سبب می‌شود که هر نفس سلیمی را تقلیب روحانی نماید حتّی اگر خود آن شخص یا اشخاص آگاه نباشند این فضل نصیب آنان می‌گردد.^{۵۹} یا در لوح دیگری بیانی به این مضمون می‌فرمایند که اگر نفسی کلمات الهی را تلاوت کند خداوند رویش را در بهشت چنان نورانی می‌نماید که اهل ملاء اعلیٰ از آن نورانی می‌شوند.^{۶۰}

این تأثیرات از آن روست که از کلمه الهی روح حیوان و کوثر زندگانی جاری و ساری است: «حمد مولی الوری را که به کلمه علیا اهل ناسوت انشاء را کوثر عرفان عطا فرمود. روح حیوان و کوثر زندگانی از کلمه الهی جاری بوده و هست. اوست معطی زندگانی ابدی و حیوة سرمدی.»^{۶۱} شدت تأثیر کلمات الهی چنانست که در یکی از الواح بیانی به این مضمون مسطور است: نفسی که مجذوب محبت الهی است آیات الهی را به نحوی زیارت می‌کند که حتّی سبب جذب نفوسی که خوابیده‌اند (از راقدین هستند) می‌شود.^{۶۲} و نیز در مقامی دیگر می‌فرمایند: «رگ شریان عالم از نفحات آیات الهی متحرک و در هر حین مدد ربّانی به او می‌رسد و الا از ظلم‌های اهل ارض و علمای بلاد کلّ فانی و معدوم مشاهده می‌شدند.»^{۶۳} و همچنین می‌فرمایند: «لعمر الله از قلم اعلیٰ در مواعظ و نصایح جاری شد آنچه که اگر به حجر القاء شود به یاقوت تبدیل گردد و اگر بر جبل افاضه شود تراه مهترّاً من کلمه الله المطاعه و در بعضی از نفوس تأثیر نموده.»^{۶۴} حضرت بهاء‌الله در شرح تأثیر و نفوذ آیات الهی مثال اریاح را آورده‌اند و می‌فرمایند:

«آیات الهی در حینی که باب مسدود است [زمانی که هیکل مبارک در سجن بودند] مع‌ذلک نفعه آن عالم را احاطه نموده و می‌نماید چه که کلمه نافذ بوده و هست. اریاح بسیار نافذ است و در عروق ارض نفوذ می‌نماید و هر چیزی به اقتضای آن به امر مبرم به طراز لون

مزین می‌کند. ظهور الوان به ید تدبیر او از نزد مدبّر حقیقی معلق و منوط و لکن نفوذ او از کلمه ظاهر و نزد خود کلمه معدوم و مفقود بوده.»^{۶۵}

۲-۴ وحدت و یگانگی

آیات الهی وسیله و اسباب وحدت و یگانگی است. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «از حقّ جلّ جلاله می‌طلبم از آیات منزله خود نار اتحاد مابین احباب مشتعل نماید به شأنی که کلّ حروف یک کلمه مشاهده شوند و از اوراق یک شجر محسوب...»^{۶۶} در این بیان مبارک اصطلاح "نار اتحاد" بسیار جالب توجه است زیرا روشنائی نار سبب بینش و عرفان می‌گردد و حرارت و گرمای آن اجزاء و اعضاء جامعه بشری را با یکدیگر ترکیب می‌کند و متحد و مربوط می‌نماید. بعد در دو مثالی که ذکر فرموده‌اند یعنی حروف یک کلمه و برگ‌های یک درخت ملاحظه می‌شود که در عین ارتباط و هماهنگی و وحدتی که بین برگ‌های یک درخت و حروف یک کلمه است اما هر حرف و هر برگ فردیت مخصوص به خود دارد. این نمونه و نشانه‌ای از وحدت عالم انسانی بنا بر تعالیم بهائی است که افراد و اقوام بشر هم اصالت و فردیت خود را حفظ خواهند نمود و هم با یکدیگر در یگانگی و ارتباط وحدت بخش خواهند بود. در ضمن این استعاره معنی کلام مبارک در لوح احمد را روشن می‌کند که می‌فرماید: «کن كسحلة النار لاعدائی». و نیز می‌فرماید: «قلم اعلىٰ در هر یک از آیات ابواب محبت و اتحاد باز نموده.»^{۶۷}

۳-۴ تغذیه روحانی

حضرت بهاء الله می‌فرماید: «همچنان که غذا از برای اجساد لازمست، همین قسم از برای ارواح واجب. غذای روح مائده منیعه لطیفه طریه است که از سماء عنایت الهی نازل شده. اگر غذای روح به آن نرسد البته ضعیف شود.»^{۶۸} «فی الحقیقه از برای هر عضوی از اعضاء رزقی مقدر است.» و بعد اضافه می‌فرماید که رزق ارواح مخلصین آیات و کلمات و بیانات الهی است.^{۶۹}

۴-۴ شفای امراض

درباره شفابخش بودن کلام الهی حضرت بهاء الله می‌فرماید: «أنا نشهد بانّ من كلمة الله طهر كلّ ابرص و برء كلّ علیل و طاب كلّ مریض و أنّه لمطهر العالم. طوبی لمن اقبل الیه بوجه منیر»^{۷۰} که مضمون و خلاصه بیان مبارک اینست که شهادت می‌دهند به اینکه کلام الهی بیماری‌های گوناگون را شفا می‌بخشد و هر مریضی را معالجه می‌نماید زیرا کلمات الهی پاک‌کننده عالمند. و حضرت عبدالبهاء با اشاره به الواح متممات کتاب مستطاب اقدس می‌فرماید: «این تعالیم الهیه الیوم درمان درد

عالم انسانی است و مرهم زخم جسد امکانی. روح حیاتست و سفینه نجات و مغناطیس عزت ابدیه و قوه نافذه در حقیقت انسانیّه.^{۷۱}

۴-۵ موجب ایقان

کلام الهی سبب ایقان و ارتقاء روحانی نفوس می‌گردد: «باید احبّاء به نار کلمه الهیه عباد را از شمال ظنون به یمین یقین کشانند و از حرارت کلمه ربّانیه چنان به حرکت آیند که از عوالم نفسیه فانیه به معارج منبوعه باقیه عروج نمایند.»^{۷۲}

۴-۶ صیانت

«به گوش جان کلمه الهیه را اصغفاء نما. اوست به منزله درع از برای هیکل عرفان.»^{۷۳} عرفان مرحله ایست که بعد از ایمان و ایقان حاصل می‌شود یعنی زمانی که هرگونه شک و تردید زائل شده و قلب و فؤاد انسان اطمینان کامل و فهم و درک قطعی و پایدار یافته است. آیات الهی این حالت عرفان را حفظ و حراست می‌کند و باقی و پاینده می‌دارد.

۴-۷ سقایه اشجار و جود

«از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری شده تازگی عطا کردی.»^{۷۴}
«از یک کلمه مانده آسمانی و نعمت حقیقی که عرفان نفس حقّ جلّ جلاله است عطا فرمود. به مثابه نیشان ربیع رحمانی بر اراضی قلوب موحدین و مخلصین امطار حکمت و بیان مبذول داشت تا کلّ فائز شوند به ثمرات وجود خود و آگاه گردند بر آنچه مخصوص آن از عدم به عرصه ظهور آمده‌اند. این فضل را ادراک عالم تحدید ننماید و اقلام امم قادر بر احصاء نباشد.»^{۷۵}

۴-۸ احیاء

«رگ شریان عالم از نفحات آیات الهی متحرک و در هر حین مدد ربّانی به او می‌رسد و الاّ از ظلم‌های اهل ارض و علمای بلاد کلّ فانی و معدوم مشاهده می‌شدند.»^{۷۶}

۴-۹ مفتاح اعظم

«عالم را کلمه مسخر نموده و می‌نماید. اوست مفتاح اعظم در عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح. یک تجلی از تجلیاتش در مرآت حبّ اشراق نموده کلمه مبارکه "انا المحبوب" در او منطبع. بحری است دارا و جامع. هر چه ادراک شود از او

ظاهر گردد.»^{۷۷}

۴-۱۰ تنویر

«آنچه از قلم اعلیٰ جاری به مثابه سراج است، امام وجه مذکور و در جمیع عوالم الهی، او همراه و مأنوس.»^{۷۸}

۴-۱۱ تربیت و تهذیب

«الحمد لله حقّ جلّ جلاله به مفتاح قلم اعلیٰ ابواب افنده و قلوب را گشوده و هر آیه از آیات منزله بابی است مبین از برای ظهور اخلاق روحانیّه و اعمال مقدّسه. این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه‌ای نبوده و نیست. باید اهل عالم طراً به آنچه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند تا به آزادی حقیقی فائز شوند.»^{۷۹}

۴-۱۲ نیل به خیر و صلاح

«هر نفسی الیوم به کلمه الله فائز شد او به کلّ خیر فائز است و اعزّ است عند الله از آنچه در ارض مکنون و مشهود است.»^{۸۰}
«به یقین مبین بدان یک کلمه اگر الیوم از برای نفسی نازل شود به کلّ خیر فائز است. کلمه الله خیر لک عمّا خلق فی الارض و السماء.»^{۸۱}

۴-۱۳ برانگیختن

تأثیر کلام الهی در بعث و برانگیختن به دو معنی در آثار قلم اعلیٰ آمده است یکی به منظور قیام به خدمت: «آیات الهی... جمیع ذرات را به حرکت آرد و به خدمت قائم نماید. آنه علیٰ کلّ شیء قدیر.»^{۸۲} و دیگری بعث اموات و ایجاد حیات روحانی در افراد: «حال اکثر اهل بلاد مستعدّند از برای اصغاء کلمه علیا که بعث و حشر کلّ به آن منوط و معلق است.»^{۸۳}

۴-۱۴ انصعاق

از جمله اثرات آیات الهی که در آثار قلم اعلیٰ مذکور شده منصعق شدن آسمان و زمین و کلّ من علی الارض است. از جمله می‌فرمایند: «سبحان الله، طور از کلمه الله از هم می‌ریزد شوقاً للقاءه و سدره سینا به مجرد اصغاء زمین را شکافته مع اغصان و افنان و اوراق و اثمار قصد افق اعلیٰ نموده. طوبیٰ لسمع السّمع و لبصر البصر.»^{۸۴} و در شرح عرش و آیه مربوط به «حمل می‌نماید عرش پروردگار را ملائکه عماء در انفس ثمانیه» می‌فرمایند: «مقصود از عرش در این مقام امرالله

بوده و خواهد بود. کلمه الله بوده و خواهد بود و اول ما يتفوه به لسان الله بوده و خواهد بود.» و بعد اضافه می‌فرمایند:

«... و آن کلمه ایست که به فزع آیند از او کلّ من فی السموات و الارض و منصعق شوند کلّ من فی جبروت الامر و الخلق و آن کلمه ایست که به ثقل اکبر نامیده شده در الواح الله و هر نفسی قابل حمل آن نه و آن کلمه ایست که بعد از ظهور آن کلّ قبائل به نوحه آیند و ارکان کلّ شیء متزلزل شود و احدی قابل حمل این عرش نه مگر ملائکه عما که باعانة الله این امانت اکبر را حمل نمایند و به قبول آن هیاکل امرالله ظاهر شود و کلمه ابداع اعظم تنطق فرماید، و در یک مقام عرش نفس ظهور است...»^{۸۵}

۵- کلمه الله در این ظهور مبارک

آثار قلم اعلیٰ متضمّن شرح نکاتی درباره نزول آیات در این ظهور مبارک است که اجمالاً به مطالب مذکور اشاره می‌شود:

۱-۵ ملاحظه محدودیت‌های بشری

در آثار قلم اعلیٰ ملاحظه محدودیت‌های بشری در نزول آیات از دو لحاظ مطرح گردیده یکی آنکه کلمات الهی میزان کلّ است و نمی‌تواند و نباید محدود به حدود و محدودیت‌های بشری باشد و دیگر آنکه فضل حقّ سبب می‌گردد که آیات الهی در حدّ توانائی و فهم بشر و به لسان مردم زمان نازل گردد.

حضرت بهاءالله در کلمات مکتونه (عربی) می‌فرمایند: «یا ابن الجمال و روحی و عنایتی ثمّ رحمتی و جمالی کلّ ما نزلت علیک من لسان القدرة و کتبتہ بقلم القوّة قد نزلناه علی قدرک و لحنک لا علی شأنی و لحنی.»^{۸۶} و در لوح سراج می‌فرمایند: «شکّی نبوده که ذات قدم تکلم نمی‌نماید مگر به لسان مظهر نفس خود و مشاهده نمائید که در آن بیانات چه مقدار خضوع از محبوب امکان ظاهر شده که جمیع بیان و ما فیہ را به نعم و آلائی سلطان بقا در ظهور اخری منوط فرموده‌اند.»^{۸۷}

در توضیح این نکته در لوح دیگری آمده است که: «اگر به غیر این مشی نمایم فصل اکبر ظاهر... در این صورت کسی تقرب نجوید تا اصغای کلمه الله نماید.»^{۸۸} در لوح سراج می‌فرمایند: «ای علیّ، به لسان بدیع پارسی کلمات ربّانی را اصغاء نما و اگر تو نشنوی البتّه قدرت محیطه الهیه انفسی بدعاً خلق فرماید که بشنوند ندای او را و بر نصر امرش قیام نمایند.» و در توضیح این بیان اضافه می‌فرمایند: «چه که جمیع ناس به لغات عربیه مطلع نه و ادراک کلمات پارسیه اسهل

است نزد اهل لسان.^{۸۹} لیکن در لوح خطاب به محمد کریم خان کرمانی صریحاً فرموده‌اند که: «کلمات منزلة الهیه میزان کلّ است و دون او میزان او نمی‌شود و هر یک از قواعدی که مخالف آیات الهیه است آن قاعده از درجه اعتبار ساقط.»^{۹۰} و اضافه فرموده‌اند: «قل ان آیات الله لو تنزل علی قواعدکم و ما عندکم أنّها تکون مثل کلماتکم یا محشر المحتجبین.»^{۹۱} و همان طور که قبلاً ذکر شد می‌فرمایند: «کلمة الله لن تشبهه بکلمات خلقه أنّها سلطان الکلمات کما ان نفسه سلطان النفوس و امره مهیمن علی ما کان و ما یکون.»^{۹۲}

بنا بر این در عین حالی که کلام الهی میزان کلّ است و محدود به حدود بشری نیست ولیکن حقّ به لسان مظهر نفس خود و موافق میزان فهم و درک مردمان زمان آیات را نازل می‌فرماید.

۲-۵ نحوه نزول و ثبت آیات

در نحوه نزول وحی یعنی کلمات و آیات الهی مطالبی در کتب ادیان گذشته آمده و مخصوصاً در کتب و آثار اسلامی شرح داده شده است. به علاوه در کتب تاریخ و نیز در شرح مشاهدات و خاطرات نفوسی که حاضر و شاهد بوده‌اند مطالبی ذکر شده است. همه این مطالب حاکی از آن است که نزول وحی یک واقعه بسیار شگفت‌انگیز و شدید و بدیع روحانی بوده است یعنی جوّ محلّی که جمال اقدس ابهی تشریف داشته‌اند تغییر می‌کرده و جریانی شبیه به تأثیرات جریان الکتریسته فضا را در بر می‌گرفته و لرزش شدیدی مانند زمین لرزه احساس می‌شده و در ضمن حالت جمال مبارک هم تغییر می‌کرده و آهنگ و صوت کلمات و آیاتی که بیان می‌فرموده‌اند سامعین را به کلی مجذوب و از خود بی‌خود می‌کرده است. در این بین فقط کاتب وحی به قدرت و اراده الهی قادر به تحریر بوده به نحوی که حتّی سبب اعجاب و حیرت وی می‌شده است.^{۹۳} مثلاً در لوحی به قلم خادم الله مذکور است که: «یا محبوبی، این خادم فانی این کرّه امید اینکه موفّق شود به این ذکر نداشته و لکن اراده الله سبقت ارادتی و عدمت مشیت.»^{۹۴} و بعد ادامه می‌دهد:

«علی الصّباح تلقاء وجهه به طبع چای مشغول. در آن حین جمال قدم به بیت دیگر توجه فرمودند و بعد از حضور و ورود این عبد قال جلّت عنایته: یا خادم فأت بقلم و ورق. دیگر این خادم عاجز است از ذکر اینکه از ملکوت بیان چه اصغاء نمود. قسم به جمال مقصود و سلطان غیب و شهود که در اکثر احیان حین تنزیل این عبد را فرح و حزن به شأنی احاطه می‌نماید که جز حقّ تعالی شأنه بر مقدار آن آگاه نه. فرح از اصغاء الحان بدیعه منیعه حقّ جلّ جلاله و اما حزن از خوف آنکه مبدا آیات ترک شود و قوه حافظه از حفظ آن عاجز ماند و نفسه الحقّ اگر قطره قادر است از عهده ذکر امواج بحر کما هی می‌برآید این عبد هم قادر. لعمر المقصود هو القادر و نحن عجزاء نسئله التّأیید فی کلّ الاحوال. انه لهو الغنی

و در لوح دیگری به امضای خادم الله چنین مذکور است:

«در ایام شداد، ایامی که ظلمت ظلم جمیع بلاد را احاطه نموده بود، در لیالی و ایام در اعلاء کلمه و ارتفاع امرالله مشغول به شأنی که والله الذی لا اله الا هو این فانی مجال نوم و یا اکل نمی‌یافت. از اول لیل لسان عظمت ناطق و این عبد در حضور به تحریر مشغول. مائده سمانیه به شأنی نازل که در بعضی از شب‌ها فجر طالع و امر به احضار طعام نفرموده و همچنین در بعضی از ایام شب و روز لسان عظمت ناطق لاجل هدایت عباد.»^{۹۶}

حضرت بهاءالله نزول آیات را به فرو ریختن باران تند و شدید (غیث هاطل) تشبیه فرموده‌اند:

«آیات، مثل امطار هاطل و نازل.»^{۹۷}

«هر یوم آیات الهی به مثابه غیث هاطل نازل و هر لیل کتابی از امّ الكتاب ظاهر.»^{۹۸}
«سبحان الله، مقامی که در لیالی و ایام به مثابه غیث هاطل آیات الله از آن نازل آن را انکار نمودند.»^{۹۹}

«در اول ایام سجن اعظم تفکر نما. برکت و نعمت و مائده به مثابه امطار نازل و هاطل ولكن چون خیانت به میان آمد قطع شد.»^{۱۰۰}
«امروز مائده در کلّ حین نازل و نعمت از سماء کرم به مثابه غیث هاطل. طوبی از برای نفوسی که به این عطیة کبریٰ فائز شدند.»^{۱۰۱}
«مائده حقیقی از سماء معانی در کلّ حین نازل و نعمت باقیة دائمه امام وجوه حاضر ولكن عباد غافل و محجوب و ممنوع...»^{۱۰۲}

ملاحظه می‌شود که آیات الهی با کمال شدت و به سرعت و بلا انقطاع عزّ نزول می‌یافته است و محدودیت مؤمنین در درک ارزش و استقبال شایسته از آن آثار و خیانت خائنین سبب قطع نزول این مائده آسمانی شده است به حدّی که در لوح سراج می‌فرمایند: «حال قدری در این کلمات تفکر فرمائید... چه که این عبد از احزان وارده قادر بر تفسیر کلمات الله نه.»^{۱۰۳}

۳-۵ کثرت و وسعت آیات

آثار قلم اعلیٰ حاکی از آنست که آیات و آثار الهی در این ظهور اعظم از حدّ احصاء خارج است و شدت و میزان نزول آیات به حدّی بوده است که کاتبان و حاضران توانائی ثبت و ضبط تمامی آن کلمات و آیات را نداشته‌اند. در لوحی می‌فرمایند: «یا حبیبی آیات و بینات و ظهورات و علامات

به شأنی نازل و ظاهر که جمیع السن و اقلام از ذکر و بیان عاجز و قاصر»^{۱۰۴}
کمیت و مقدار آیاتی که از لسان وحی جاری و صادر گشته خارج از توانایی بشر برای ضبط و شمارش و احصاء آنان بوده است:

«آیات الهیه که از حدّ احصاء خارج است.»^{۱۰۵}
«آیات عالم را احاطه نموده به شأنی که احدی قادر بر جمع و احصای آن نه.»^{۱۰۶}
«آیات الهی که هر منصفی اعتراف می نماید بر قصور و عجز از احصایش.»^{۱۰۷}
«مائدۀ معنوی به شأنی از سماء عنایت الهی نازل که کلّ را متجبر نموده و شاید نظر به کثرت قدرش مستور. ای کاش اهل عالم مستعدّ می شدند و قابل می گشتند از برای مشاهده آنچه مستور است.»^{۱۰۸}

و بالاخره این بیان مبارک است که در آن نه مرتبه می فرمایند شکر کن که مقدار آیات نازله چنان کثیر است که تو قادر بر احصای آن نیستی:

«یا علیّ، مائدۀ سمائی و نعمت باقیۀ الهی از هواء مرحمت ربّانی این قدر بر تو باریده که از احصای آن عاجزی. اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر اشکر ربّک و قل لک الحمد و لک الفضل و لک الشکر و لک البهاء و لک العنایة و الافضال و لک المواهب و اللطاف.»^{۱۰۹}

در بعضی از آثار قلم اعلیٰ به انحاء مختلف میزان آیات منزله در این ظهور اعظم ذکر شده است از جمله:

«در این ظهور بدیع منیع که کرورها آیات الهیه از سماء قدرت و رحمت نازل شد با وجود این جمیع خلق اعراض نموده و تمسّک جسته اند به اقوال عبادی که یک حرف از آن را ادراک نمی نمایند.»^{۱۱۰}
«معادل کتب قبل و بعد حال موجود.»^{۱۱۱}
«حال قریب صد جلد آیات باهرات و کلمات محکمات از سماء مشیت منزل آیات نازل و حاضر.»^{۱۱۲}

درباره تنوع و جامعیت این الواح و آثار حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

«... در این ظهور بدیع الواح و آثار الهیه راجع به امور اصلیه و فرعیه، جزئیّه و کلیّه، علمیه و فنیّه، مادیّه و ادبیه، سیاسیّه و اقتصادیّه چنان عالم را احاطه نموده که شبه آن از اوّل ابداع در

هیچ مظهري از مظاهر قبل و هیچ عصری از اعصار غابره دیده و شنیده نشده. شخص بهائی اگر توجه تام به این آثار مقدّسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویّه کند و معانی دقیقه و حکمت‌های بالغه مودعه در هر یک را به دقت و ملاحظه از آن استنباط نماید از هر محنت و مشقتی و تعب و زحمتی و خطر و وبالی و حزن و کدري در حیات مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند.^{۱۱۳}

۴-۵ نحوه تسوید آیات

یکی از نکاتی که در تلاوت آیات باید مراعات شود دقت در صحت متن آنهاست یعنی در تسوید و تحریر و نسخه‌برداری و طبع و نشر آیات الهی باید دقت شود که اشتباهی روی ندهد و آنچه تلاوت می‌گردد مطابق به اصل نزولی باشد. حضرت بهاء‌الله در لوحی می‌فرماید:

«اینکه مذکور داشتید به ترتیب آیات و رسائل مشغولند، این عمل از اعظم اعمال نزد غنی متعال مذکور و محسوب. در این ایام الواح منزله تلقاء وجه قرائت می‌شود چه که بسیاری از الواح از قبل و بعد نوشته و من غیر مطابقه به اطراف رفته. لذا در این ایام مکرر در حضور قرائت می‌شود لیظهر ما اراده الله و ما نطق به لسان العظمة.»^{۱۱۴}

این بیان مبارک اشاره به روش مرسوم در حین نزول آیات بوده است که کاتبان وحی کلماتی که از فم مبارک حضرت بهاء‌الله صادر می‌شد را با سرعت یادداشت می‌کردند که به "خطّ نزولی" معروف است و بعد از روی یادداشت‌های مزبور آنچه را نازل شده بود از سواد به بیاض منتقل می‌کردند و به صورت الواح و آثاری در می‌آمد که به "خطّ اصل" مشهور است. حتی در چنین مواردی امر مبارک حضرت بهاء‌الله این بوده است که نسخه پاکنویس شده مکرر در حضورشان قرائت شود تا مبادا در حین پاکنویس کردن اشتباهی رخ داده باشد. لذا هر بار بیانات مبارکه تسوید یا نقل می‌شود باید از طریق مقابله اطمینان حاصل نمود که اشتباهی رخ نداده باشد.

۵-۵ لزوم حفظ و صیانت آیات

حضرت بهاء‌الله در لوحی تأکید فرموده‌اند که باید در حفظ و صیانت الواح و آثار نهایت دقت و مراقبت معمول گردد:

«در حفظ الواح الهی فی الحقیقه باید کلّ اهمال نمایند. چنانچه از قبل بعضی از دوستان را که اراده نموده اخذ نمایند اول نوشتجات ایشان به دست افتاد. این جائز نه. باید محلّ محکمی از برای آیات الهی معین نمایند تا از مسّ ایادی نالایقه محفوظ ماند. اگرچه لا یمسه

ملاحظه می‌شود که سبب این دقت و مراقبت را نیز بیان فرموده‌اند که منظور ممانعت از آنست که کلمات الهی به دست افرادی بیفتد که لیاقت زیارت و درک و فهم و حفظ احترام آنها را ندارند. مثلاً در گذشته ایام میرزا یحیی ازل و اعوان او بسیار تصرفات در آیات الهی کردند و بعداً میرزا محمد علی ناقض اکبر و انصار او به همین عمل خائنه و ناپسند اقدام نمودند لذا لزوم حفظ و صیانت الواح و آثار مبارکه قویاً تأکید شده است. این نوع اتفاقات فقط در موارد حمله و هجوم دشمنان خارج یا منافقین و دشمنان داخل جامعه روی نمی‌دهد بلکه در سایر مواقع نیز امکان بروز چنین حوادثی هست از جمله در احیان حمل و نقل کتب و آثار یا بعد از درگذشت صاحبان آن آثار. اینست که باید همه اجباء و مؤسسات امری به این توصیه حضرت بهاء الله توجه کامل داشته باشند و آن را دقیقاً به موقع عمل و اجرا گذارند.

۶-۵ نحوه تلاوت آیات

چنانچه گذشت آیات الهی را باید هر صبح و شام تلاوت نمود. در رساله سؤال و جواب تصریح شده است که مقصود از آیات الهی «جميع ما نزل من ملکوت الیّان» یعنی همه آثار قلم اعلیٰ است. علاوه بر این در نصوص مبارکه نحوه مطلوب برای تلاوت آیات نیز ذکر شده است. از جمله می‌توان به شرایط ذیل اشاره کرد که در نصوص مبارکه آمده است.

- تلاوت آیات در هر صبح و هر شام
- تلاوت آیات با بهترین لحن خوش
- تلاوت آیات با روح و ریحان و از روی میل و محبت
- تلاوت آیات با قلب طاهر و نفس زکیه و لسان صادق و بصر مقدّس
- تلاوت آیات به اندازه‌ای که موجب ملالت و احزان نگردد
- تلاوت آیات با حضور ذهن و تمرکز فکر و توجه به مقصودی که در آیات منظور است
- تلاوت آیات به نحوی که قلوب نفوسی که خوابیده‌اند (راقدین) را نیز جذب کند
- انس گرفتن به آیات الهی^{۱۱۶}

حضرت بهاء الله می‌فرماید: «نیکوست حال کسی که در لیالی و ایام به آیاتش انس گیرد و قرائت نماید. اوست محی وجود و مربی غیب و شهود.»^{۱۱۷} و حضرت عبدالبهاء ضمن تأکید در تلاوت کلمات مکتوبه تأکید می‌فرماید که علاوه بر تلاوت به مضمون هم باید دقت کرد.^{۱۱۸}

۶- مقصود از نزول آیات

حضرت بهاء الله مقصود و منظور از نزول آیات را به عبارات و انحاء گوناگونی بیان فرموده‌اند که از جمله آنها تربیت اخلاقی و تقلیب روحانی و بیان آنچه مصلحت مردمان است و نیز از بین بردن دشمنی و عداوت و اختلاف و جدائی بین بشر است:

«مقصود از کتاب‌های آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان به راستی و دانائی تربیت شوند که سبب راحت خود و بندگان شود.»^{۱۱۹}

«ای بندگان من آنچه از حکم بالغه و کلم طیبیه جامعه که در الواح قدسیه احدیه نازل فرمودم مقصود ارتقای انفس مستعدّه است به سماوات عزّ احدیه.»^{۱۲۰}

«اگر در آیات منزله از سماء فضل تفکر نمائی شهادت می‌دهی که حقّ جلّ و عزّ به آنچه امر فرموده و می‌فرماید همان مصلحت عباد بوده و خواهد بود.»^{۱۲۱}

«مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهار بیّنات اخمدار نار ضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق افنده اهل عالم به نور اتّفاق منور گردد و به آسایش حقیقی فائز.»^{۱۲۲}

۷- رابطه بشر با کلمه الله

ظهور و بلوغ این خلاقیت کلام الهی به سه عامل بستگی دارد که عبارتند از: قوه مکنون در کلمه الله، فیوضات و تأییدات الهی، و استعداد و آمادگی بشر. این قوه شبیه نیروئی است که در گیاه موجود است یعنی قوه رشد و انبات که در دانه وجود دارد اما نیازمند تابش خورشید و ریزش باران و نیز استعداد و آمادگی خاک است تا ثمرش ظاهر و عیان گردد. رابطه بشر با کلام الهی هم تابع همین جریان است. یعنی پس از شناسائی مظهر ظهور الهی باید از خلاقیت موجود در کلام او مستفیض شد. این رابطه‌ای است که در این دور و کور باید با آثار قلم اعلیٰ داشته باشیم یعنی باید استعداد و امکان استفاضه و بهره بردن از کلام الهی را در خود پرورش و افزایش دهیم و برای تأثیرپذیری از کلام الهی آمادگی داشته باشیم و بعد با تلاوت آیات الهی در هر صبح و شام و قیام به عملی ساختن آنچه از کلام الهی درمی‌یابیم قوه خلاقه کلمات الهی را از حیث قول به حیث عمل درآوریم.

تلاوت آیات الهی رابطه مستقیم بین انسان و آفریدگارش برقرار می‌سازد و تأثیرات "روبیّت" حقّ یعنی نیروی پرورش دهنده حقّ سبب رشد روحانی انسان و وصول وی به هدف غائی از خلقتش می‌شود و مقصود و منظور از حیات عنصریش را تحقق می‌بخشد.

به همین سبب حکم تلاوت آیات الهی در هر صبح و هر شب در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است و اجرای این حکم را وفای به عهد و پیمان الهی محسوب فرموده‌اند و اضافه فرموده‌اند که اگر کسی از آیات الهی و از اجرای این حکم روی گرداند و غافل بماند مانند آنست که از ابتدا از خداوند

روی گردانده است: «اتلو آيات الله في كلِّ صباح و مساء انَّ الَّذِي لم يتل لم يوف بعهد الله و ميثاقه و الَّذِي اعرض عنها اليوم انه ممن اعرض عن الله في ازل الازال...»^{۱۲۳}

در توضیح و توجیه این حکم در یکی از الواح می‌فرمایند: «همچنان که غذا از برای اجساد لازم است همین قسم از برای ارواح واجب. غذای روح مائده منیعۀ لطیفه طریه است که از سماء عنایت الهی نازل شده. اگر غذای روح به آن نرسد البتہ ضعیف شود.»^{۱۲۴} اینست که می‌فرمایند: «امروز حضرت فیاض موجود و مائده سمائیه نازل. به اسمش اخذ نمائید و به یادش تناول کنید.»^{۱۲۵} و همچنین فرموده‌اند که شرط اعظم برای این اقدام: «میل و محبت نفوس مقدسه است به تلاوت آیات.»^{۱۲۶} یعنی اجرای این حکم باید با میل و رغبت و از روی عشق و علاقه انجام گیرد.

۸- وظائف مؤمنین در قبال کلمه الله

در آثار قلم اعلیٰ وظائف و مسؤولیت‌هایی برای مؤمنان یعنی اهل بهاء در قبال آثار و کلمات الهی ذکر شده که اهم آنها عبارت است از: منع از تأویل و تحریف آیات، توجّه خالصانه به کلمات الهی و اصغاء آیات و درک حلاوت کلمات الهی و به موقع عمل و اجرا گذاشتن آنچه در آثار مبارکه به احباء توصیه شده است و به ویژه سعی در اعلاء و اعلان و تبلیغ و تبشیر کلمه الله. در ضمن احتیای الهی تحذیر شده‌اند از اینکه مبادا کلمات الهی را که مایه ائتلاف و محبت و دوستی است سبب ایجاد اختلاف و تفرقه نمایند.

۱-۸ منع از تأویل و تحریف

تأویل و تفسیر معانی مودعه در کلمات الهی مختصّ به مظاهر ظهور الهی است. در امر بهائی اقدام به تأویل آیات از جانب مؤمنین منع شده است. حضرت بهاء الله می‌فرمایند: «تأویل کلمات حمامات ازلیه را جز هیاکل ازلیه ادراک ننمایند.»^{۱۲۷} چون کلمات الهیه به وحی از مصدر ایجاد به مظاهر ظهور نازل می‌گردد واضح است که معانی و مفاهیم مودعه در آن کلمات نیز باید از همان منشأ مورد تأویل و تفسیر قرار گیرد.

حضرت بهاء الله مؤمنین را انداز فرموده‌اند که مبادا به تأویل و تحریف کلمات الهی مشغول شوند: «لا تبدلوا کلمه الله و لا تحرفوها عن مقرها اتقوا الله و کونوا من الذینهم يتقون.»^{۱۲۸} و در لوح ابن ذئب این تحذیر شدید از قلم اعلیٰ نازل شده است: «انَّ الَّذِي يُؤوّل ما نزل من سماء الوحي و يحرفه عن الظاهر انه ممن حرف کلمه الله العلیا و کان من الاخسرین فی کتاب مبین.»^{۱۲۹} مضمون بیان مبارک اینست که کسی که کلام الهی را تأویل یا تحریف کند از زیان‌کارترین مردمان است.

۲-۸ توجه منصفانه

حضرت بهاء الله می فرماید: «باید جمیع آنچه شنیده شد محو نمود و به عدل و انصاف در آیات و بینات و ظهورات ناظر شد.»^{۱۳۰} و نیز می فرماید: «باید کلّ بما امروا به متمسک باشند، در هیچ شأنی از شوون و هیچ امری از امور از آنچه از قلم اعلیٰ جاری از امانت و دیانت و عصمت و عفت و اعمال و اخلاق غفلت ننمایند.»^{۱۳۱}

۳-۸ اصغاء کلمه الله

حضرت بهاء الله در لوحی اهل بیان را دعوت می فرماید که به دیده پاک و با قلب مقدّس در آنچه در بیان مذکور است نظر کنند و تفکر نمایند تا وحدت انبیاء و پیامشان را دریابند و بعد می فرماید: «هر نفسی لایق اصغاء کلمه الله نه و هر وجودی قابل آشامیدن زلال معانی که از عین مشیت رحمانی در این ظهور عزّ صمدانی جاری شده نه.»^{۱۳۲} و برای این منظور لازم است که استعداد و آمادگی لازم را دارا بود: «ان استعدّوا لاصغاء کلمه الله لعمری بها انجذبت قلوب المقرّبین و اضطربت افئدة الذین کفروا برّب الارباب.»^{۱۳۳} اصغاء و شنیدن کلام الهی قلوب مقرّبین را مجذوب می کند و قلوب کافرین را مضطرب و نگران می سازد. اینست که فرموده اند خوشا به حال نفسی که حجابات او را از شنیدن کلمه الهی منع نماید: «فهنیئاً لنفیس لا تمنعها الحجابات عن اصغاء کلمه الله.»^{۱۳۴} و توصیه می فرماید که «به گوش جان کلمه الهیه را اصغاء نما.»^{۱۳۵} و در مقامی دیگر به این بیانات احلیٰ ناطقند: «این است شمس کلمه صدق و وفا که از افق مالک اسماء اشراق فرموده افتحوا آذانکم لاصغاء کلمه الله المهیمن القیوم.»^{۱۳۶} و نیز می فرماید: «طوبیٰ از برای آذانی که قصص اولیٰ او را از اصغاء کلمه الله محروم نساخت.»^{۱۳۷} و «طوبیٰ از برای... اذنی که ندا را اصغاء نمود و به احکام منزله الهی متمسک جست. او از اصحاب سفینه ایست که در بحر اسماء به اذن فاطر سماء سیر می نماید.»^{۱۳۸}

۴-۸ لزوم تفکر و ادراک

پس از آمادگی برای شنیدن کلمات الهی یعنی زیارت آثار مبارکه شرط لازم آنست که در آنچه نازل شده تفکر شود و کوششی مبذول گردد که شیرینی آیات الهی و مقصود و منظور آن کلمات فهمیده شود و سبب حصول استقامت در امر الله گردد.

«ای دوستان الهی تفکر نمائید و به آذان واعیه اصغای کلمه الله کنید تا از فضل و رحمت او زلال استقامت بیاشامید و بر امر الله مثل جبل راسخ و ثابت باشید.»^{۱۳۹}
«قسم به اسم اعظم هر نفسی الیوم حلاوت یک آیه از آیات منزله را بیابد و ادراک نماید از

من فی السَّموات و الارض بگذرد و به شطر دوست توجّه کند.»^{۱۴۰}
«ان یا حبیب ینبغی لحضرتک ان تتفکّر فی کلمة الله و عظمتها و حلاوتها أنّها لتکفی العالمین.»^{۱۴۱}

۹- ابلاغ و اعلاء کلمة الله

ابلاغ کلمة الله در آثار قلم اعلیٰ از دو نظر مطرح شده است. یکی آنچه حضرت بهاء الله بنفسه المقدّس به آن قیام فرموده‌اند و در این سبیل متحمّل بلایا و صدمات لا تحصی شده‌اند و دیگری آنچه که انتظار می‌رود احبای الهی انجام دهند.

۱-۹ قیام حضرت بهاء الله برای اعلان امرالله

حضرت بهاء الله در زمینه اعلان امرالله و دعوت خاصّ و عامّ به شریعة الهیّه می‌فرمایند:

«این مظلوم در جمیع احوال کلمة الله را به اعلیٰ النداء فرموده و کلّ را بما یحفظهم و ینفعهم و یؤیّدهم دعوت نموده.»^{۱۴۲}

«در جمیع احوال عباد را بما یرفعهم امر نمودیم و از آنچه سبب پستی و ذلّت بوده نهی کردیم. مقصودی جز ارتفاع کلمة الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست.»^{۱۴۳}
«لوجه الله گفتیم آنچه را که عالم از برای شنیدن آن از عدم به وجود آمده.»^{۱۴۴}

در این سبیل یعنی اعلان و ابلاغ کلمة الله هیکل مبارک معرض شدائد و بلایا و مصائب بی شماری قرار گرفتند و در الواح متعدّد به این نکته اشاره می‌فرمایند:

«سلاسل و اغلال او را از استقلال منع نمود و کند و بند امرش را تغییر نداد. جمیع بلایا و رزایا را حمل فرمود لارتفاع کلمة الله. هر منصفی شاهد و هر عادلّی گواه.»^{۱۴۵}

«در لیالی و ایام لاجل ارتفاع کلمة الله حمل بأساء و ضراء نمودیم. زحمت‌های این مظلوم و بلایای او خارج از حدّ احصاست.»^{۱۴۶}

«یا خلیل اسمع نداء المظلوم أنّه اقبل البلایا کلّها لاعلاء کلمة الله ولكنّ القوم فی اعراض مبین.»^{۱۴۷}

«یا شیخ وارد شد بر این مظلوم آنچه که شبه و مثل نداشته. کلّ را به کمال تسلیم و رضا لاجل تهذیب نفوس و ارتفاع کلمة الله حمل نمودیم.»^{۱۴۸}

«قد فدینا نفسنا لاعلاء کلمة الله المتعال.»^{۱۴۹}

حضرت بهاء الله به بروز مصائب برای همه انبیاء اشاره می‌فرمایند که همیشه سبب انتشار کلمة الهی

شده است: «آنچه به نقطه و معشر انبیاء و مرسلین وارد شد سبب اعلاء کلمه الله و ارتفاع امر و انتشار آن بوده.»^{۱۵۰} و نیز می فرماید: «آنچه بر ساحت عرش وارد شود سبب و علت اعلاى کلمه الله است.»^{۱۵۱}

۲-۹ قیام به اعلاء کلمه الله

تکلیف و وظیفه مؤمنین قیام و اقدام برای اعلاء و اعلان کلمه الله و نشر نفحات الله است و این وظیفه و مسؤولیت در الواح بسیاری از قلم اعلیٰ تصریح و تأکید شده است.

«ای دوستان کلّ را وصیت می نمائیم به آنچه که سبب اعلاى کلمه الله است.»^{۱۵۲}
«امروز باید کلّ به قلوب نوره به خدمت او مشغول شوند و به اعلاء کلمه الله. اینست حکم محکم الهی که در صحیفه حمراء از قلم اعلیٰ ثبت شده.»^{۱۵۳}
«نوصیهم بالعدل و الانصاف و الامانة و الدیانة و ما ترتفع به کلمه الله و مقاماتهم بین العباد.»^{۱۵۴}

در این بیان مبارک رعایت عدل و انصاف و امانت و دیانت از اموری محسوب شده است که سبب اعلاء کلمه الله و اعلاء مقامات مؤمنین در بین مردمان می گردد. و در بیان دیگری می فرمایند نفوسی که کلمه الهی را اجابت نمایند برترین نفوس اند حتیٰ اگر به صورت ظاهر شغل و مقام آبرومندی نداشته باشند و کسانی که از کلمات الهی روی برگردانند پست ترین نفوس هستند حتیٰ اگر در بین مردم مقامی شامخ داشته باشند: «و بعد القاء کلمه الله على الممكنات من سمع و اجاب انه من اعلی الخلق ولو یكون من الذین یجمعون الرّماذ و من اعرض هو من ادنى العباد ولو یكون عند الناس ولیاً و یكون عنده كتب السموات و الارضین...»^{۱۵۵}

انسان نباید ناظر به منافع شخصی خود باشد بلکه باید در صدد اعلاء کلام الهی باشد: «لیس له ان ینظر الی ما ینفعه بل بما ترتفع به کلمه الله المطاعة.»^{۱۵۶}

این فریضه روحانی همه افراد اجبّاست که پیوسته همگی در صدد ارتفاع و اعلاء کلمه الله باشند. حضرت بهاء الله می فرماید:

«رأس القدرة و الشّجاعة هی اعلاء کلمه الله و الاستقامة على حبه.»^{۱۵۷}
«در کلّ احیان متمسک باشید به امری که سبب اعلاء کلمه الله گردد.»^{۱۵۸}
«امروز باید دوستان طراً به اخلاق و اعمالی که سبب ارتفاع کلمه الله و ابقاء نفوس است مشغول گردند.»^{۱۵۹}

در توضیح اخلاق و اعمالی که سبب ارتفاع کلمه الله می گردد حضرت بهاء الله می فرماید: «ای

دوستان، اخلاق حسنه و اعمال مرضیه و شؤونات انسانیّه سبب اعلاء کلمه الله و ترویج امر بوده. لذا بر هر نفسی لازم و واجب که الیوم به معروف تمسک جوید و از منکر اجتناب نماید.»^{۱۶۰} و نیز می‌فرمایند: «باید الیوم هر نفسی موافق آیات الهیه که در الواح منیعه نازل شده مشی نماید. یعنی خارج حکمت از او سر نزند و به حکمت الهیه که به آن مأمور است در کل احوال ناظر باشد و فساد و جدال از او ظاهر نشود.»^{۱۶۱} و نیز: «لازال اتحاد و اتفاق سبب اعلاء کلمه الله بوده و هست.»^{۱۶۲}

از مجموع بیانات فوق چند نکته مهمّ مستفاد می‌گردد از جمله اینکه تخلّق به اخلاق بهائی و عمل به احکام و تعالیم دارای دو اثر مهمّ و مرتبط به یکدیگر است: یکی اعلاء کلمه الله و اعتبار و حیثیت امرالله و دیگری باقی نگاه داشتن نفوسی که مؤمن هستند در ظلّ امر الهی و در داخل جامعه بهائی و حفظ وحدت و یگانگی در جمع اهل بهاء. زیرا مراعات اخلاق بهائی و حفظ وحدت جامعه از دور افتادن و احیاناً جدا شدن افرادی که از اخلاق و اعمال بعضی از مؤمنین دلگیر و دلسرد و نسبت به امر الهی بی‌اعتنا می‌شوند جلوگیری می‌نماید و سبب انسجام و استحکام جامعه امر و حفظ اعضاء جامعه و تقویت روحیه امری و شوق و اشتیاق به فعالیت امری در آنان می‌گردد و همچنین جامعه بهائی و امر بهائی را در انظار دیگران نمونه و سرمشق و راه حلی برای بهبود وضع جامعه بشری معرفی می‌کند و این هر دو سبب اعلاء کلمه الله می‌گردد. اینست که حضرت بهاءالله می‌فرماید: «انشاءالله از نفعات ایام الهی قسمت برید و سبب اعلاء کلمه الله شوید تا جمیع به بحر اعظم فائز شوند.»^{۱۶۳}

یادداشت‌ها

- * متن مطالبی که در مجمع عرفان در جون ۱۹۹۸ در مرکز مطالعات بهائی در آکو-تو-ایتالیا ایراد شد و با اظهار امتنان از راهنمایی و توصیه‌هایی که جناب دکتر شاپور راسخ برای تهیه این متن لطف فرمودند.
- ۱- فرهنگ زبان.
 - ۲- مراجعه شود به: فرهنگ عرفانی و فرهنگ فلسفی.
 - ۳- فرهنگ فلسفی، ص ۶۷۰. به نقل از اسفار الاربعه فی الحکمة المتعالیه از تألیفات صدرالدین محمد بن ابراهیم معروف به ملا صدرا.
 - ۴- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۸۶.
 - ۵- ادعیه محبوب، صص ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۳۹، ۳۴۱ و ۳۵۰.
 - ۶- اقتدارات، ص ۲۴۹.
 - ۷- آیات الهی، ج ۱، ص ۲۶۴.
 - ۸- فرهنگ فلسفی، ص ۶۷۰.
 - ۹- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۸۴.
 - ۱۰- لئالی الحکمة، ج ۲، ص ۸۴.
 - ۱۱- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۸۴.
 - ۱۲- ایضاً، ص ۲۹۲.

- ۱۳- دریای دانش، ص ۲۸.
- ۱۴- کتاب بدیع، ص ۳۳۶.
- ۱۵- آیات الهی، ج ۲، ص ۳۷۶.
- ۱۶- ایضاً، ص ۲۸۴.
- ۱۷- آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، ص ۱۶۹.
- ۱۸- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۴۰.
- ۱۹- ایضاً، ص ۲۹۱.
- ۲۰- در لوح خطاب به «یا نبیل علیک بهاء ربک الجلیل...»
- ۲۱- در لوح «به نام بخشنده مهربان، مائده معنوی...»
- ۲۲- آثار قلم اعلیٰ، ج ۶، ص ۳۲۵.
- ۲۳- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۳۶.
- ۲۴- در لوح «هو السامع المجیب، لک الحمد حاضر شدی و امواج بحر بیان را...»
- ۲۵- مجموعه عندلیب، ص ۱۰۵.
- ۲۶- کتاب مستطاب ایقان، ص ۱۸.
- ۲۷- امر و خلق، ج ۲، ص ۱۸۱.
- ۲۸- در لوح «هو المشفق الکریم، یا اولیاء الله فی الکاف و الکاف...»
- ۲۹- آثار قلم اعلیٰ، ج ۱، ص ۲۰.
- ۳۰- کتاب مستطاب ایقان، ص ۱۶۰.
- ۳۱- آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، ص ۲۵۴.
- ۳۲- آیات الهی، ج ۱، ص ۳۵۶ و یا امر و خلق، ج ۲، ص ۹۸.
- ۳۳- آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، ص ۳۰۱.
- ۳۴- امر و خلق، ج ۲، ص ۹۸.
- ۳۵- آثار قلم اعلیٰ، ج ۱، ص ۲۴۸.
- ۳۶- کتاب مستطاب ایقان، صص ۱۵۸-۱۵۹.
- ۳۷- ایضاً، ص ۱۵۹.
- ۳۸- ایضاً، صص ۱۵۸-۱۵۹.
- ۳۹- ایضاً.
- ۴۰- مجموعه عندلیب، ص ۱۶۰.
- ۴۱- آیات الهی، ج ۱، ص ۲۲.
- ۴۲- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۹۸.
- ۴۳- اشراقات، ص ۲۷۲.
- ۴۴- آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، ص ۱۶۹.
- ۴۵- اقتدارات، ص ۳۷.
- ۴۶- بحور الحکمة، ص ۳۶.
- ۴۷- آیات الهی، ج ۲، ص ۱۷۱.
- ۴۸- امر و خلق، ج ۲، ص ۱۴۳.
- ۴۹- امر و خلق، ج ۳، صص ۲۵۵-۲۵۶.

- ٥٠- آيات الهى، ج ١، ص ٣٦.
- ٥١- لوح مقصود، مجموعة آلمان، ص ١٠٦.
- ٥٢- ادعية محبوب، ص ٣٦٢.
- ٥٣- در لوح «به نام بخشنده مهربان، مائده معنوى...»
- ٥٤- لئالى الحكمة، ج ٣، ص ٣٧٧.
- ٥٥- مجموعة عندليب، ص ١٢١.
- ٥٦- آيات الهى، ج ٢، ص ٨٣.
- ٥٧- ادعية محبوب، ص ٦٩.
- ٥٨- آيات الهى، ج ٢، ص ٨٣.
- ٥٩- مائده آسمانى، ج ٤، ص ٤٥.
- ٦٠- آثار قلم اعلى، ج ٤، ص ٥٦.
- ٦١- آيات الهى، ج ٢، ص ٢٩١.
- ٦٢- امر و خلق، ج ٤، ص ٢٤.
- ٦٣- آيات الهى، ج ١، ص ٢٦٤.
- ٦٤- آيات الهى، ج ٢، ص ٧٨.
- ٦٥- مائده آسمانى، ج ٨، صص ١٨-١٩.
- ٦٦- مجموعة عندليب، ص ١٦٩.
- ٦٧- آيات الهى، ج ١، ص ٢٢.
- ٦٨- مائده آسمانى، ج ٨، ص ١٧.
- ٦٩- آثار قلم اعلى، ج ٦، ص ٣٠٨.
- ٧٠- منتخبات آثار، ص ٦٢.
- ٧١- مكاتيب، ج ٣، ص ٢٥٢.
- ٧٢- اقتدارات، صص ٢٤٩-٢٥٠.
- ٧٣- آيات الهى، ج ٢، ص ٣٥٢.
- ٧٤- ادعية محبوب، ص ٣٢٤.
- ٧٥- آيات الهى، ج ٢، ص ٢٩١.
- ٧٦- آيات الهى، ج ١، ص ٢٦٤.
- ٧٧- دريائ دانش، ص ٢٨.
- ٧٨- آيات الهى، ج ٢، ص ٢٨٠.
- ٧٩- مجموعة آلمان، ص ٥٠ يا آيات الهى، ج ١، ص ٢٣.
- ٨٠- آيات الهى، ج ٢، ص ٢٧٨.
- ٨١- آثار قلم اعلى، ج ٥، ص ٦٠.
- ٨٢- مجموعة عندليب، ص ١٦١.
- ٨٣- مجموعة آلمان، ص ٥٠ (لوح دنيا).
- ٨٤- آيات الهى، ج ٢، ص ٢٩٩.
- ٨٥- كتاب بديع، صص ٢٢٥-٢٢٦.
- ٨٦- كلمات مكنونه (عربى)، شماره ٦٧.

۸۷- مائده آسمانی، ج ۷، ص ۵۳ (لوح سراج).

۸۸- آیات الهی، ج ۲، ص ۳۵۳.

۸۹- مائده آسمانی، ج ۷، صص ۲۶، ۷۱.

۹۰- امر و خلق، ج ۲، ص ۱۰۹.

۹۱- ایضاً، ص ۱۰۸.

۹۲- آثار قلم اعلیٰ، ج ۱، ص ۲۰.

۹۳- نفحات ظهور، صص ۳۷-۳۹.

۹۴- مجموعه عندلیب، ص ۱۶۰.

۹۵- ایضاً حضرت عبدالبهاء در حکمت صیام می‌فرمایند: «حضرت اعلیٰ در بدایت ظهور از شدت تأثیر نزول آیات ایامی می‌گذشت که به چای اختصار می‌شد. همچنین جمال مبارک در ایامی که به تأسیس تعالیم الهی پرداختند و در ایامی که متصلاً آیات نازل می‌شد از شدت تأثیر آیات و هیجان قلب تناول طعام نمی‌فرمودند مگر اقلّ قلیل. مقصد اینست که به جهت متابعت مظاهر الهیه و تنبه و تذکر حالت ایشان بر عموم ملت ایامی چند تأسی و اقتدا فرض گشت.» (مائده آسمانی، ج ۹، ص ۲۴).

۹۶- آثار قلم اعلیٰ، ج ۶، ص ۲۲۴.

۹۷- آیات الهی، ج ۲، ص ۵.

۹۸- ایضاً، ص ۳۰۰.

۹۹- ایضاً، ص ۱۴۹.

۱۰۰- مائده آسمانی، ج ۴، صص ۱۰۰-۱۰۱.

۱۰۱- در لوح «هو الشاهد الخیر قد انزلنا الآیات...»

۱۰۲- در لوح «هو الله تعالیٰ، یا حیدر قبل علیٰ بگو یا اهل ارض آذان از برای...»

۱۰۳- مائده آسمانی، ج ۷، ص ۱۲.

۱۰۴- آیات الهی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۱۰۵- ایضاً، ص ۱۷۰.

۱۰۶- ایضاً، ص ۲۹۸.

۱۰۷- مجموعه عندلیب، ص ۱۶۱.

۱۰۸- در لوح «به نام بخشنده مهربان، مائده معنوی...»

۱۰۹- در لوح مبارک «بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیٰ الابهیٰ یا حبذا نامه رسید عرف محبت عالمیان از او

متصّوع...»

۱۱۰- کتاب مستطاب ایقان، ص ۷۹.

۱۱۱- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۹۸.

۱۱۲- امر و خلق، ج ۲، ص ۱۰۲ (از لوح ابن ذئب).

۱۱۳- مائده آسمانی، ج ۳، صص ۳۰-۳۱.

۱۱۴- مجموعه عندلیب، ص ۵۵.

۱۱۵- ایضاً، ص ۱۰۱.

۱۱۶- امر و خلق، ج ۴، صص ۲۱-۲۴ و گلزار تعالیم، صص ۱۲۹-۱۳۲.

۱۱۷- آثار قلم اعلیٰ، ج ۵، ص ۱۰۰.

۱۱۸- گنجینه، ص ۱۵۱.

- ١١٩- آيات الهى، ج ١، ص ٨٠.
- ١٢٠- مجموعة مصر، ص ٣٢٣.
- ١٢١- آيات الهى، ج ١، ص ١٧٥.
- ١٢٢- مجموعة آلمان، ص ١٣٤ يا آيات الهى، ج ٢، ص ٧٦.
- ١٢٣- كتاب مستطاب اقدس، بند ١٤٩.
- ١٢٤- مائدة آسمانى، ج ٨، ص ١٧.
- ١٢٥- در لوح «هو الاقدس الاعظم العلى الابهى الحمد لله الذى توحد بالجلال و تفرد بالاجلال...»
- ١٢٦- كتاب مستطاب اقدس، رسالة سؤال و جواب، ص ٦٣.
- ١٢٧- امر و خلق، ج ٢، ص ١٤٢ (از كتاب مستطاب ايقان).
- ١٢٨- آثار قلم اعلى، ج ٢، ص ٢٧٨.
- ١٢٩- لوح ابن ذئب، ص ٩٥.
- ١٣٠- آيات الهى، ج ١، ص ٤٤.
- ١٣١- آيات الهى، ج ٢، ص ٢٧.
- ١٣٢- اقتدارات، ص ٤٦.
- ١٣٣- لئالى الحكمة، ج ١، ص ٧١-٧٢.
- ١٣٤- ايضاً، ص ٣١.
- ١٣٥- آيات الهى، ج ٢، ص ٣٥٢.
- ١٣٦- از مجموعة الواح به خط زين المقرين.
- ١٣٧- لئالى الحكمة، ج ٣، ص ٣٥٩.
- ١٣٨- آيات الهى، ج ٢، ص ٣.
- ١٣٩- منتخبات آثار، صص ١٦-١٧ و يا آيات الهى، ج ١، ص ٤٥.
- ١٤٠- آيات الهى، ج ٢، ص ٨١.
- ١٤١- لئالى الحكمة، ج ٣، ص ٢١٦.
- ١٤٢- آثار قلم اعلى، ج ٧، ص ١٠٠.
- ١٤٣- اشراقات، ص ٣٣.
- ١٤٤- آيات الهى، ج ٢، ص ٣٢٣.
- ١٤٥- ايضاً، ص ٢٦٠.
- ١٤٦- اشراقات، ص ٣٠.
- ١٤٧- ايضاً، ص ٢٥٧.
- ١٤٨- لوح ابن ذئب، ص ٥٢.
- ١٤٩- آثار قلم اعلى، ج ١، ص ٢٧٨.
- ١٥٠- مجموعة عندليب، ص ٢١٤.
- ١٥١- مائدة آسمانى، ج ٨، ص ١٢٩.
- ١٥٢- آثار قلم اعلى، ج ٦، ص ٢٧٢.
- ١٥٣- اشراقات، ص ٢٥٧.
- ١٥٤- ايضاً، ص ١٣١.
- ١٥٥- مائدة آسمانى، ج ١، ص ١٢.

- ۱۵۶- اشراقات، ص ۱۲۹ و یا منتخبات آثار، ص ۱۷۵ و یا آیات الهی، ج ۱، ص ۹۲.
- ۱۵۷- مجموعه آلمان، ص ۹۳ و یا بحور الحکمة، ص ۷.
- ۱۵۸- آیات الهی، ج ۲، ص ۲۳۹.
- ۱۵۹- آیات الهی، ج ۱، ص ۲۸۶.
- ۱۶۰- دریای دانش، ص ۱۰۴.
- ۱۶۱- آیات الهی، ج ۱، ص ۳۲۷.
- ۱۶۲- لثالی الحکمة، ج ۳، ص ۲۷۸.
- ۱۶۳- لثالی الحکمة، ج ۲، ص ۱۰۹.

کتاب شناسی

کتاب شناسی مآخذ با ذکر عنوانی که در یادداشت ها به آنها رجوع داده شده است.

کتاب مستطاب اقدس (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۵ م).	اقدس
کتاب مستطاب ایقان (مصر: فرج الله زکّی الکردی، ۱۳۵۲ ه.ق).	ایقان
کلمات مکنونه (بوندورا: سنجوری پرس، ۱۹۹۴ م).	کلمات مکنونه
کتاب بدیع (پراگ: زیرو پالم پرس، ۱۹۹۲ م).	کتاب بدیع
لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۸۲ م).	لوح ابن ذئب
آثار قلم اعلی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲-۱۳۴ ب)، ۷ جلد.	آثار قلم اعلی
آیات الهی (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۹۴-۱۹۹۶ م)، ج ۱، نشر دوّم و ج ۲.	آیات الهی
ادعیة محبوب (مصر: فرج الله زکّی الکردی، ۱۹۲۰ م). تجدید طبع (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۸۷ م).	ادعیة محبوب
اشراقات (بی ناشر، بی تاریخ).	اشراقات
اقتدارات (بی ناشر، بی تاریخ).	اقتدارات
امر و خلق تتبع و تدوین اسدالله فاضل مازندرانی، نشر سوّم (لانگنهاین: لجنة نشر آثار امری، ۱۹۸۶ م)، ۴ جلد.	امر و خلق
بحور الحکمة (بی ناشر، بی تاریخ).	بحور الحکمة
دریای دانش (دهلی نو: مؤسسه مطبوعات امری، ۱۹۸۵ م).	دریای دانش
گلزار تعالیم بهائی گردآوری ریاض قدیمی، نشر دوّم (توراننو: یونیورسیتی پرس، ۱۹۹۵).	گلزار تعالیم

- گنجینه حدود و احکام گردآوری و تنظیم عبدالحمید اشراق خاوری، نشر سۆم
(دهلی نو: مؤسسۀ مطبوعات امری، ۱۹۸۰ م).
- لثالی الحکمة (برزیل: دار النشر البهائیة، ۱۹۸۶-۱۹۹۰ م)، ۳ جلد.
مائدة آسمانی گردآوری عبدالحمید اشراق خاوری (طهران: مؤسسۀ ملی مطبوعات
امرئ، ۱۲۸-۱۲۹ ب)، ۹ جلد.
- مجموعه آلمان
مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، نشر دوّم
(لانگنهاین: لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۵۶ ب، ۲۰۰۰ م).
- مجموعه مصر
مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاءالله (قاهره: سعاده، ۱۹۲۰ م).
- مجموعه عندلیب
مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاءالله عکسبرداری شده از روی خطّ علی اشرف لاهیجانی
(عندلیب) (طهران: مؤسسۀ ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ ب).
- منتخبات آثار
منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (لانگنهاین: لجنه نشر آثار امری، ۱۴۱ ب، ۱۹۸۴ م).
- مکاتیب
مکاتیب حضرت عبدالبهاء (مصر: فرج الله زکّی الکردی، ۱۳۴۰ هـ ق)، ج ۳.
- نفحات ظهور
نفحات ظهور حضرت بهاءالله تألیف ادیب طاهرزاده، ترجمه باهر فرقانی (دانداس:
مؤسسۀ معارف بهائی، ۱۵۵ ب، ۱۹۹۸ م)، ج ۱.
- فرهنگ زبان
فرهنگ زبان فارسی: الفبائی - قیاسی تألیف دکتر مهشید مشیری، چاپ سۆم (طهران:
سروش، ۱۳۷۴ هـ ش).
- فرهنگ عرفانی
فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیّرات عرفانی تألیف دکتر سیّد جعفر سجّادی (طهران:
کتابخانه طهوری، ۱۳۷۰ هـ ش).
- فرهنگ فلسفی
فرهنگ علوم فلسفی و کلامی تألیف دکتر سیّد جعفر سجّادی (طهران: مؤسسۀ
انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ هـ ش).